

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

ثمره چهارم مقدمه واجب

یکی از ثمراتی که مرحوم آخوند در کفایه نقل کرده و مورد مناقشه قرار داده این است که اگر واجبی دارای مقدمات متعدده و کثیره باشد، اگر شخص این واجب را با این مقدمات متعدده ترک کند، چنانچه قائل شویم که مقدمه واجب، واجب است، اینجا فسق حاصل می شود، اما اگر مقدمه واجب را واجب ندانیم، فسق تحقق پیدا نمی کند.

یعنی یکی از ثمرات مقدمه واجب را این قرار داده اند که اگر قائل به وجوب مقدمه شویم، موجب فسق می شود و اگر قائل نشویم عنوان فسق حاصل نمی شود.

عنوانی که برای بیان ثمره وجود دارد این است که یک ذی المقدمه داشته باشیم، این ذی المقدمه دارای مقدمات متعدده و کثیره باشد، بطوری که اگر این مقدمات و ذی المقدمه را مجموعاً ترک کردیم، می شود ترک واجب های متعدد و اگر ترک ذی المقدمه عنوان صغیره داشته باشد و ترک مقدماتی هم که واجب بوده، عنوان صغیره داشته باشد، عنوان اصرار بر صغیره پیدا می کند.

وقتی می گوئیم یک ذی المقدمه داریم که واجب است و فرض می کنیم عنوان صغیره دارد، یعنی ترک این واجب عنوان گناه کبیره ندارد. آنگاه مقدمات متعدده و کثیره ای دارد که ترک هر کدام از اینها عنوان گناه صغیره دارد. آنگاه مجموعاً یعنی ترک ذی المقدمه و ترک مقدمات، می شود اصرار بر صغیره. جایی که یک گناه صغیره انجام می شود، عنوان اصرار ندارد، جایی که دوبار انجام می دهد محلّ تأمل است، اما جایی که چهار، پنج گناه صغیره را انجام داد، یقیناً مصداق اصرار بر صغیره است و اصرار بر صغیره مانند گناه کبیره، فسق آور است.

همانطور که گناه کبیره موجب فسق می شود و انسان از عدالت خارج می شود اصرار بر صغیره هم اینطور است.

پس ثمره این می شود که در جایی که ذی المقدمه دارای مقدمات کثیره است، اگر بگوئیم این مقدمات، عنوان وجوب شرعی دارد، ترک این مقدمات بعلاوه ترک ذی المقدمه، می شود اصرار بر صغیره. اما اگر گفتیم این مقدمات عنوان وجوب شرعی ندارد، فقط ترک ذی المقدمه گناه دارد، اما ترک مقدمات گناه ندارد.

نقد اول مرحوم آخوند بر ثمره چهارم

مرحوم آخوند در کفایه بعد از بیان این ثمره دو اشکال نسبت به آن بیان کرده اند.

اشکال اوّل اینکه این بیان نمی‌تواند ثمره‌ی مسأله اصولیه باشد. برای اینکه در علم اصول می‌گوییم مسأله‌ای که از مسائل علم اصول است، باید بتوانیم از آن مسأله یک حکم کلی شرعی را استنباط کنیم. اما این مطلب که آیا «هذا الشخص فاسق أو ليس بفاسق»، این دیگر ربطی به ثمره مسأله اصولیه ندارد. این یک حکم جزئی است در یک مورد معین. یعنی شارع بطور کلی بیان می‌کند اصرار بر صغیره، فسق‌آور است. اما این عقل است که تصدیق می‌کند که آیا این شخص مصداق برای این عنوان است یا نیست.

لذا اشکال اوّل مرحوم آخوند این است که این عنوان، ثمره‌ی مسأله اصولیه را ندارد. این که بگوییم آیا این شخص فاسق است یا نیست، نمی‌تواند ثمره‌ی مسأله اصولیه باشد.

نقد دوم مرحوم آخوند بر ثمره چهارم

اشکال دومی که مرحوم آخوند دارند که این اشکال در یک فرض خاصی فقط مطرح می‌شود و آن این است، اگر فرض کنیم یک ذی المقدمه‌ای است دارای مقدمات متعدد، منتها یک مقدمه‌ی آن به حدی است که اگر انسان آن را ترک کند، دیگر قدرت بر بقیه مقدمات و قدرت بر انجام ذی المقدمه ندارد، نسبت به بقیه مقدمات می‌شود مسلوب القدرة، وقتی شد مسلوب القدرة دیگر آن بقیه مقدمات و ذی المقدمه از اختیار این شخص خارج است و ترک آنها عنوان ترک واجب را ندارد. چون ترک واجب در فرضی است که واجب مقدور مکلف باشد. وقتی مقدور مکلف نشد، این عنوان ترک واجب را ندارد. در نتیجه فقط یک مقدمه را ترک کرده، فقط یک واجب را ترک کرده و با ترک یک واجب، عنوان اصرار بر صغیره تحقق پیدا نمی‌کند.

پاسخ از اشکال دوم مرحوم آخوند

اگر دقت کنید این اشکال دوم مرحوم آخوند واضح البطلان است.

زیرا اولاً: اگر آن شخصی که این ثمره را بیان می‌کند، در یک فرض بتواند این ثمره را بیان کند، کافی است. می‌گوید من جایی را مثال می‌زنم که با ترک یک مقدمه، شخص نسبت به بقیه مقدمات مسلوب القدرة نشود. لازم نیست ثمره در همه فروضی که امکان دارد تصویر شود، اگر در یک فرض هم این ثمره قابل تصویر باشد همین مقدار کافی است.

می‌گوییم برای بیان ثمره، شما فرض را در جایی بردید که با ترک یک مقدمه، نسبت به بقیه مقدمات دیگر قدرت ندارد. فرض را بیاورید در جایی که با ترک یک مقدمه، نسبت به بقیه مقدمات مسلوب القدرة نشود، همین‌جا ثمره ظاهر می‌شود.

ثانیاً: شما در کفایه مکرر فرموده‌اید و دیگران هم این را گفته‌اند اگر تکلیفی به جهت سوء اختیار مکلف از قدرت انسان خارج شد، قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» جریان پیدا می‌کند. اگر کسی با ترک یک مقدمه سبب شود که مقدمات دیگر و ذی المقدمه هم ترک شود، به این معنا نیست که نسبت به آنها عقابی در کار نباشد، بقیه هم به سوء اختیار این مکلف ممتنع شده، «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار».

لذا این اشکال دوم مرحوم آخوند از این ثمره، بر اساس این دو پاسخ که بیان کردیم واضح البطلان است.

نظر محقق نائینی پیرامون ثمره مقدمه واجب و این ثمره

مرحوم نائینی (اجود التقريرات 1: 356) یکی از کسانی است که فائل‌اند بر مقدمه واجب، ثمره‌ی مهمی مترتب نمی‌شود. آنجا بعد

از اینکه این ثمره را نقل کرده، می‌فرمایند مسأله حصول فسق و عدم حصول فسق، ربطی به مقدمه ندارد.

ما باید ذی المقدمه را نگاه کنیم، اگر ترک ذی المقدمه از گناهان کبیره باشد، فسق می‌آید، اعم از اینکه بگوییم مقدمه، وجوب شرعی دارد یا ندارد. اگر گفتیم ترک ذی المقدمه از گناهان کبیره است، اینجا فسق می‌آید، چه قائل به وجوب شرعی مقدمه بشویم و چه نشویم، اگر ترک ذی المقدمه گناه کبیره نباشد، ولو قائل شویم به اینکه مقدمه، عنوان وجوب شرعی را دارد، اما در اینجا فسقی حاصل نمی‌شود.

بعبارة آخری؛ مرحوم نائینی مسأله فسق و عدم فسق را دائر مدار کبیره بودن و کبیره نبودن ذی المقدمه قرار داده‌اند.

بعد ایشان توهمی را ذکر کرده‌اند و بعد جواب داده و دفع کرده‌اند.

اشکال بر محقق نائینی

متوهم می‌گوید اگر ترک ذی المقدمه به سبب ترک مقدمات، مصداق برای اصرار بر صغیره شود، یعنی اگر کسی گفت یک ذی المقدمه داریم کبیره نیست، صغیره است، لکن اگر مقدماتی نداشت و شما ذی المقدمه را ترک می‌کردید، این مصداق برای اصرار بر صغیره نبود. اما اکنون که این ذی المقدمه مقدماتی دارد، ترک این ذی المقدمه به سبب ترک این مقدمات، مصداق برای معصیت و مصداق برای اصرار بر صغیره است و این باید موجب فسق باشد.

پاسخ از اشکال

ایشان در مقام دفع این توهّم فرموده‌اند مکرر گفته‌ایم اطاعت و معصیت، دائر مدار اوامر نفسیه است. یعنی اگر یک واجب نفسی را انجام دادید می‌شود اطاعت و اگر یک واجب نفسی را ترک کردید می‌شود معصیت، و مخالفت با امر غیری عنوان معصیت ندارد. اگر با صد امر غیری هم مخالفت کردید، عنوان معصیت بر آن صدق نمی‌کند. این خلاصه فرمایش مرحوم نائینی.

اشکال محقق خوئی بر محقق نائینی

محقق خوئی (محاضرات 2: 429) بر مرحوم نائینی اشکال کرده‌اند و خلاصه اشکال ایشان این است که مقدمه آن مقدار که تبعیت می‌کند در وجوب است، یعنی مقدمه از حیث حکم وجوبی تابع ذی المقدمه است، اما از نظر اینکه آیا این مصداق برای فسق باشد یا نباشد، بخواهد مقدمه از ذی المقدمه تبعیت کند، ما دلیلی بر این تبعیت نداریم.

پاسخ از اشکال محقق خوئی

این اشکال مرحوم خوئی بر محقق نائینی وارد نیست. زیرا مرحوم نائینی می‌فرمایند در اینجا که می‌خواهید ثمره درست کنید دو حالت دارد؛

یا ترک ذی المقدمه عنوان گناه کبیره دارد یا عنوان گناه صغیره دارد. اگر عنوان گناه کبیره را دارد، موجب فسق است، حال مقدمات آن واجب باشد یا نباشد. اگر ترک ذی المقدمه، صغیره باشد، نمی‌توانیم بگوییم ترک این ذی المقدمه بعلاوه ترک این

مقدمات، مصداق برای اصرار بر صغیره است. باید جایی باشد که این عنوان معصیت را داشته باشد، آنگاه عرف بگوید این اصرار بر صغیره می‌شود و ما گفته‌ایم مخالفت با امر غیر، عنوان معصیت ندارد. لذا این اشکال صاحب محاضرات بر مرحوم محقق نائینی اشکال غیر واردی است.

نقد استاد محترم بر محقق نائینی

نکته‌ای که می‌توانیم بعنوان حاشیه و مناقشه در فرمایش محقق نائینی عرض کنیم این است که درست است که اطاعت و معصیت دائر مدار امر نفسی است، لکن کسی که این ثمره را مطرح کرده، نمی‌خواهد بگوید مخالفت این مقدمه واجب، اوّل معصیت است، بعد بگوییم اصرار بر این معصیت، فسق‌آور است. قائل این را نمی‌گوید.

از اوّل ملاحظه کردید وقتی می‌خواستیم ثمرات را بیان کنیم، می‌گوییم اگر یک ذی المقدمه‌ای داریم، به مرحوم نائینی عرض می‌کنیم که ثمره را در فرضی مطرح می‌کنیم که ترک ذی المقدمه از گناهان کبیره نیست. این مسلم است.

یک ذی المقدمه‌ای داریم که ترک آن گناه کبیره است. این دارای مقدماتی است، قائل به این ثمره می‌گوید اگر ترک این مقدمات چون کثیره است به انضمام ترک این ذی المقدمه، مصداق اصرار بر صغیره شود، هنوز کاری به معصیت نداریم، تا شما بفرمایید امر غیر معصیت‌آور نیست، می‌گوییم آیا یک ذی المقدمه‌ای که دارای ده مقدمه است، اگر این ده مقدمه و ذی المقدمه را با هم ترک کردیم، این مصداق برای اصرار بر صغیره می‌شود؟ چون بالاخره همه اینها واجب است، و ترک این واجب هم عنوان گناه صغیره دارد.

این می‌شود اصرار بر صغیره و اصرار بر صغیره معصیت است.

یعنی ممکن است قائلی بگوید گناه صغیره معصیت نیست و لذا صغیره عقاب‌آور نیست. اما اصرار بر گناه صغیره، معصیت‌آور است و موجب فسق می‌شود.

این فرمایشات مرحوم آخوند و مرحوم نائینی.

اشکال استاد محترم بر ثمره چهارم مقدمه واجب

آیا بطور کلی این ثمره تام است یا بر آن اشکال وارد است؟

عرض کردیم این ثمره اصلاً در جایی است که ترک ذی المقدمه عنوان گناه صغیره دارد، این را از اوّل گفتیم تا این بیانات مرحوم نائینی و غیره دیگر مطرح نشود.

اشکال مهمی که اینجا وجود دارد این است که اساس این ثمره مبتنی بر این است که ما میان گناه صغیره و کبیره تفصیل قائل شویم و بگوییم الذنب علی قسمین؛ ذنب الصغیر و ذنب الکبیر. در حالی که خود این محلّ اختلاف است و بسیاری از بزرگان و محققین اصلاً این تفصیل را قبول ندارند که بگوییم دو نوع گناه داریم، یکی کبیره و یکی صغیره. جای مفصل این بحث در کتاب اجتهاد و تقلید است، آنجایی که مسأله عدالت و منافیات عدالت را ذکر می‌کنند، وارد این بحث می‌شوند که آیا دو نوع گناه داریم یا نه؟

پس این ثمره مبتنی بر این مبنا است که بین صغیره و کبیره تفصیل بدهیم که خود این تفصیل محلّ اشکال است. ابتدا باید تفصیل داد، آنگاه بگوییم در کبیره فسق آور است و در صغیره فسق آور نیست، اما اصرار بر صغیره فسق آور است.

مطلب و اشکال دیگری که وجود دارد این است که اصرار بر صغیره عرفا در جایی است که انسان یک گناه صغیره‌ای را انجام بدهد، بعد مرّة آخری دوباره انجام دهد، بعد مرّة ثالثه سه مرتبه انجام دهد. در زمان‌های متعدد اگر انسان این کار را کرد، می‌شود اصرار بر صغیره، اما اگر در زمان واحد انسان این کار را انجام دهد، اصرار بر صغیره نیست.

مثالی که می‌شود در اینجا بیان کرد این است که اگر قائل شدیم نظر به نامحرم گناه صغیره است، گاهی نعوذ بالله انسان به یک نامحرم نگاه می‌کند در یک مرتبه، در مرتبه دوّم و زمان دوّم به همان نامحرم یا نامحرم دیگر نگاه می‌کند، همینطور تکرار می‌شود. این عرفا اصرار بر صغیره است. اما اگر شش زن نامحرم در یکجا باشند و انسان دفعة واحدة و در یک زمان واحد به همه اینها نگاه کند، این که اصرار بر صغیره نمی‌شود.

در ما نحن فیه هم همین‌طور است؛ در یک زمان واحد، همه مقدمات و ذی المقدمه ترک شده، این عنوان اصرار ندارد.

نظر استاد محترم نسبت به ثمره چهارم

لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین اشکال به کسی که این ثمره را بیان کرده این است که با ترک مقدمات ولو صد مقدمه دارد و ترک ذی المقدمه در زمان واحد و دفعة واحدة صورت گرفته، این عرفا مصداق اصرار بر صغیره نیست. اصرار بر صغیره در جایی است که مرّة بعد مرّة باشد. لذا این ثمره هم، ثمره باطلی است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين